

عربی، زبان قرآن (۲)

۱ ترجم الکلمات التي تحتها خط: (۱ نمره)

الف) الصديق الصدوق من اترك على نفسه.

ب) هل تلعب بكل حماس يا لاعب؟

ج) الصديق من كان معيناً على البر.

د) أسعار السراويل غالية جداً هنا.

مشاوره هر کلمه عربی که در کتاب درسی وجود دارد، ممکن است در این سؤال مورد پرسش قرار بگیرد، پس معنی تمام کلمات را یاد بگیرید و فقط به کلمات جدید درسها اکتفا نکنید. البته که نیاز به حوصله و زحمت زیادی دارد، اما ۲۰ گرفتن ارزش این زحمتهای را دارد.

راهنمای تصحیح

الف) برگزید (۰/۲۵) (صفحه ۲۷)

ب) دلاوری (۰/۲۵) (صفحه ۴۰)

ج) یاری‌رساننده (۰/۲۵) (صفحه ۲۷)

د) قیمت‌ها (۰/۲۵) (صفحه ۹)

۲

عین: الف) المترادف لکلمة «أصحاب» و ب) المتضاد لکلمة «الصداقة» في العبارتين التاليتين: (۵/۵ نمره)

- أجبني هجروني كما تشاء عذاتي.
- اجتنبوا الكذب لأنه يجلب لكم العدوان.

راهنمای تصحیح >> الف) أجبة (۲۵/۰) (صفحة ۱۹)

ب) العدوان (۲۵/۰) (صفحة ۴۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) أصحاب = أجبة (دوستان)

ب) الصداقة (دوستي) ≠ العدوان (دشمنی)

۳

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْمَعْنَى أَوْ الْقَوَاعِدِ: (۵/۵ نمره)

الف) تَعَلَّبَ - فَرَسَ - رَكَّبَ - دُتِبَ

ب) إِنْ - مِنْ - مَا - إِذَا

راهنمای تصحیح >> الف) رَكَّبَ (۵/۲۵) (صفحه‌های ۱۶ و ۲۰)

ب) مِنْ (۵/۲۵) (صفحه ۳۶)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) ترجمه کلمات: روباه - اسب - کاروان شتر یا اسب‌سواران ☒ - گرگ

ب) اگر - از ☒ - هرچه - هرگاه، اگر («مِنْ» حرف جرّ است، ولی سایر گزینه‌ها ادات شرط هستند).

۴ اُکْتُبِ الْمَفْرَدَ أَوْ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ حَطًّا: (۵/۵ نمره)

الف) ما سِرُّ نَجَاحِكَ فِي هَذِهِ الْمُبَارَاةِ؟

ب) تَفْتَحُ الْحَيَوَانَاتُ أَفْوَاهَهُمْ.

راهنمای تصحیح « الف) الْمُبَارَاةِ (۵/۲۵) (صفحة ۴۰)

ب) فَمِ (۵/۲۵) (صفحة ۳۵)

۵ ترجم الآیه و العبارات التالية إلى الفارسيّة: (۴/۵ نمره)

- الف ﴿إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ (۰/۵)
 ب) يَقْفِرُ السَّمَاءُ الطَّائِرُ مِنَ الْمَاءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيْلِهِ الْقَوِيُّ ثُمَّ تُسَاعِدُهُ زَعَانِفُهُ أَنْ تَطِيرَ فَوْقَ الْمَاءِ. (۱)
 ج) لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ أَبْيَاتٌ أُنْشِدَتْ مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَ الْفَارِسيَّةِ. (۰/۷۵)
 د) يَشَاءُ الْعُدَاةُ أَنْ يَمُرُّوا الْحَيَاةَ لَنَا. (۰/۵)
 هـ) دَعُ شَاتِمَكَ مُهَانًا تُسْخِطُ الشَّيْطَانَ. (۰/۷۵)
 و) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ. (۰/۵)
 ز) هُمْ نَطَقُوا الْكَلِمَاتِ وَفَقًا لِأَلْسِنَتِهِمْ. (۰/۵)

راهنمای تصحیح

- الف) هرگاه نادانان آن‌ها را خطاب کنند (۰/۲۵)، سخن آرام می‌گویند. (صفحه ۳۹) (۰/۲۵)
 ب) ماهی پرند با حرکتی از دم قوی خود (۰/۲۵) می‌پرد (۰/۲۵)، سپس باله‌هایش به او کمک می‌کنند (۰/۲۵) که روی آب پرواز کند. (صفحه ۳۳) (۰/۲۵)
 ج) بسیاری از شاعران ایرانی بیت‌هایی دارند (۰/۲۵) که درآمیخته با عربی و فارسی (۰/۲۵) سروده شده‌اند (سروده شدند). (صفحه ۱۸) (۰/۲۵)
 د) دشمنان می‌خواهند (۰/۲۵) که زندگی را برای ما تلخ کنند. (صفحه ۱۹) (۰/۲۵)
 هـ) دشنامگویی را (۰/۲۵) خوار رها کن (۰/۲۵) تا شیطان را خشمگین کنی. (صفحه ۱۰) (۰/۲۵)
 و) بدترین مردم (۰/۲۵) [شخص] دورو است. (صفحه ۷) (۰/۲۵)
 ز) آنها کلمات را براساس زبان‌هایشان (۰/۲۵) به زبان آوردند. (صفحه ۴۹) (۰/۲۵)

درس Box

- ۱- عبارت الف ← در جملات شرطی اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد، مجازیم آن را به شکل ماضی یا مضارع ترجمه کنیم. در این عبارت، فعل‌های «خاطَبَ» و «قالوا» ماضی هستند، ولی چون جمله شرطی است، می‌توانیم آن‌ها را به شکل مضارع ترجمه کنیم.
 ۲- عبارت ج ← در سؤالات ترجمه، شناخت فعل‌های مجهول اهمیت زیادی دارد. برای تشخیص فعل مجهول باید به شیوه زیر عمل کنیم:

۱) اگر ابتدای فعل ماضی ضمه (ـُ) داشته باشد مجهول است و غالباً به همراه «شد» ترجمه می‌شود.

مثال «كُتِبَ»: نوشته شد

۲) اگر ابتدای فعل مضارع ضمه (ـُ) داشته باشد و عین‌الفعل (دومین حرف از حروف اصلی) فتحه (ـَ) داشته باشد مجهول است و غالباً به همراه «می‌شود» ترجمه می‌شود.

مثال «يُكْتَبُ»: نوشته می‌شود

در نتیجه در این سؤال، فعل «أُنْشِدْتُ» ماضی مجهول است و آن را به شکل «سروده شدند، سروده شده‌اند» ترجمه می‌کنیم.

۳- عبارت ج ← حرف «لِ» در ساختار «لِ + اسم یا ضمیر» در ابتدای جمله، معمولاً به شکل «داشتن» ترجمه می‌شود، در نتیجه در این عبارت، «لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ أَبْيَاتٌ» را به شکل «بسیاری از شاعران ایرانی بیت‌هایی دارند» ترجمه می‌کنیم.

۶ انتخابِ الصَّحیحِ فی التَّرْجَمَةِ: (۵/۵ نمره)

الف) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطُؤُهُ:

- ۱) هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطاهایش کم شد.
 - ۲) هرکس قبل از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.
- ب) قَدْ يُخَفِّضُ بَائِعُ الْمَلَابِسِ لَنَا حَتَّى مِئَتَيْنِ أَلْفَ تُومَانٍ:
- ۱) لباس‌فروش به ما گاهی تا دویست هزار تومان تخفیف می‌دهد.
 - ۲) لباس‌فروش به ما تا دویست هزار تومان تخفیف داده است.

راهنمای تصحیح: الف) گزینه «۲» (۵/۲۵) (صفحه ۳۷)

ب) گزینه «۱» (۵/۲۵) (صفحه ۹)

پاسخ‌دهی تشریحی ✓

الف) کلمه «خَطُؤٌ» مفرد است نه جمع، در نتیجه «خطا» صحیح است نه «خطاها». دقت کنید که این جمله شرطی است، به همین دلیل مجازیم فعل‌های ماضی «فَكَّرَ» و «قَلَّ» را به شکل مضارع نیز ترجمه کنیم، پس نباید «بیندیشد» و «کم می‌شود» در گزینه «۲» را به عنوان خطا در نظر بگیریم.

ب) «قَدْ يُخَفِّضُ» از ترکیب «قَدْ + فعل مضارع» تشکیل شده است، در نتیجه معادل «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» است، اما در گزینه «۲» فعل «تخفیف داده است» ماضی نقلی است نه مضارع.

انتخابِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: (۵/۲۵) (خرداد ۱۴۰۳)

أ) قَدْ خَفَّضَ بَائِعُ الْمَلَابِسِ لِي مِئَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ تُومَانٍ.

- ۱- فروشنده لباس دویست و نود (۲۹۰) هزار تومان به من تخفیف داد.
- ۲- لباس‌فروش دویست و هفتاد (۲۷۰) هزار تومان به من تخفیف داده است.

پاسخ: گزینه «۲» (۵/۲۵)

توضیح: «قَدْ خَفَّضَ» معادل ماضی نقلی است. ← تخفیف داده است. ☒ تخفیف داد. ☐، ضمناً «تسبعين» به معنی «هفتاد» است نه «نود».

کَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ: (۱/۵ نمره)

الف) «لَا تُصَعِّرْ حَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا»

از مردم و در زمین راه نرو.

ب) «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»

آخرت و است.

ج) تَصْعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمَالِ.

این دُمش را در قرار می دهد.

راهنمای تصحیح

الف) با تکبر روی برنگردان / شادمانه و با ناز و خودپسندی (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۲)

ب) بهتر / ماندگارتر، پایدارتر (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۸)

ج) مار / ماسه ها (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۳۴)

پاسخ خیلی تشریحی

الف) کلمه «لَا تُصَعِّرْ» فعل نهی است و یعنی «با تکبر روی برنگردان» و «مَرْحًا» یعنی «شادمانه و با ناز و خودپسندی».

ب) دقت کنید که «خیر: بهتر» و «أَبْقَى: ماندگارتر» اسم تفضیل هستند، پس باید در ترجمه شان از «تر» یا «ترین» استفاده کنیم.

ج) «الْحَيَّةُ» یعنی «مار» و «الرَّمَالُ» جمع «الرَّمْل» و به معنی «ماسه ها» است.

۸ ترجمه الأفعال: (۷۵ نمره)

- (تَذَكَّرُ: به یاد آوردن)
الف) قَدْ تَذَكَّرْتُ:
ب) سَتَذَكَّرُ:
ج) هُمْ تَذَكَّرُوا:
د) لَا تَتَذَكَّرِي:
ه) لَا يَتَذَكَّرُونَ:
و) أَنْتُمْ تَذَكَّرُوا:

راهنمای تصحیح «الف) به یاد آورده‌ای (۷۵/۰)»

- ب) به یاد خواهیم آورد (۷۵/۰)
ج) آن‌ها به یاد آوردند (۷۵/۰)
د) یه یاد نیاور (۷۵/۰)
ه) یه یاد نمی‌آورند (۷۵/۰)
و) شما به یاد بیاورید (۷۵/۰) (صفحه ۱۲)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) معادل ماضی نقلی و مفرد مذکر مخاطب (قَدْ + فعل ماضی: ماضی نقلی)

- ب) فعل مستقبل و متکلم مع الغیر (سَ + فعل مضارع: مستقبل)
ج) فعل ماضی و جمع مذکر غایب
د) فعل نهی و مفرد مؤنث مخاطب
ه) فعل مضارع منفی و جمع مذکر غایب
و) فعل امر و جمع مذکر مخاطب

در باب‌های تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ، در صیغه‌هایی که فعل به یکی از شناسه‌های «ا - وا - ن» ختم بشود، فعل امر و ماضی عیناً مثل هم می‌شوند. بنابراین:

- تَفَعَّلَا، تَفَعَّلُوا، تَفَعَّلَنْ ← هم ماضی غایب ☒ هم امر مخاطب ☒
تَفَاعَلَا، تَفَاعَلُوا، تَفَاعَلَنْ ← هم ماضی غایب ☒ هم امر مخاطب ☒
= مثال تَفَرَّقُوا ← امر ☒ (امر از «تَتَفَرَّقُونَ») ماضی ☒ (ماضی از «تَفَرَّقَ»)
= مثال تَوَاصَعَنْ ← ماضی ☒ (ماضی از «تَوَاصَعَ») امر ☒ (امر از «تَتَوَاصَعَنْ»)
= مثال تَعَاوَنَا ← ماضی ☒ (ماضی از «تَعَاوَنَ») امر ☒ (امر از «تَتَعَاوَنَانِ»)

درس Box

در این صورت چه طور باید تشخیص دهیم که امر است یا ماضی؟

از طریق غایب یا مخاطب بودن جمله!

اگر فعل برای غایب به کار رفته باشد ← ماضی است.

اگر فعل برای مخاطب به کار رفته باشد ← امر است.

مثال تَعَلَّمُوا دُرُوسَهُمْ ← «تَعَلَّمُوا» به «وا» ختم شده و چون از باب خاص تَفَعَّلُ هست ممکنه ماضی یا امر مخاطب باشه. با توجه به ضمیر «هم» می فهمیم که جمله غایبه و نمی تونه امر مخاطب باشه، بنابراین ماضیه! (درس هایشان را یاد گرفتند.)

• تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ ← «تَعَلَّمُوا» به «وا» ختم شده و چون از باب خاص تَفَعَّلُ هست ممکنه ماضی یا امر مخاطب باشه. با توجه به ضمیر «کم» می فهمیم که جمله مخاطبه پس امر مخاطب هست! (درس هایتان را یاد بگیرید.)

توجه! اگر فعل، خارج از جمله باشد و یا غایب یا مخاطب بودن جمله مشخص نباشد می گوییم که فعل، هم ماضی است و هم امر!

مثال تَعَلَّمُوا الدُّرُوسَ ← «تَعَلَّمُوا» هم می تواند ماضی باشد و هم امر! (درس ها را یاد گرفتند. / درس ها را یاد بگیرید.)

← در این سؤال، فعل «تَذَكَّرُوا» در مورد «ج» در کنار ضمیر غایب «هم» به کار رفته است، در نتیجه ماضی است، ولی در مورد «و» در کنار ضمیر مخاطب «أنتم» به کار رفته است، در نتیجه امر است.

۹ عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: (۷۵/۰ نمره)

- الف) الشَّرِيكَانِ قَبْلَ سَنَةٍ. □ تَعَامَل □ يَتَعَامَلَانِ □ تَعَامَلَا
- ب) الْخُبْرُ مِنَ الْعَجِينِ. □ تَصْنَع □ يَصْنَع □ يُصْنَع
- ج) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ مِنَ الْخَطِّ غَالِبًا. □ يَسَلِّم □ يُسَلِّم □ سَلَّمَ

راهنمای تصحیح << الف) تَعَامَلَا (۷۵/۰) (صفحه ۳۰)

ب) يُصْنَعُ (۷۵/۰) (صفحه ۲۶)

ج) يَسَلِّمُ (۷۵/۰) (صفحه ۳۶)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) ترجمه عبارت: «دو شریک یک سال پیش با هم معامله (دادوستد) کردند.» ← با توجه به قید زمان «قبل سَنَةٍ»، باید یک فعل ماضی انتخاب کنیم، ضمناً «الشَّرِيكَانِ» مثنی و مذکر است، در نتیجه «تَعَامَلَا» صحیح است.

ب) ترجمه عبارت: «نان از خمیر ساخته می شود.» ← با توجه به معنی جمله به یک فعل مجهول نیاز داریم، در نتیجه «يُصْنَعُ» ساخته می شود» صحیح است نه «يَصْنَعُ» می سازد». ضمناً «تَصْنَعُ» می سازد» مؤنث است و با «الْخُبْرُ» تناسب ندارد.

ج) ترجمه عبارت: «هرکس قبل از سخن گفتن فکر کند، غالباً از اشتباه در امان می ماند.» ← با توجه به معنی جمله فعل «يَسَلِّمُ» در امان می ماند» صحیح است نه «سَلَّمَ» سلام کرد» و «يُسَلِّمُ» سلام می کند». ضمناً این فعل، جواب شرط است و چون فعل مضارع است در این حالت باید حرکت آخرش ساکن شود.

۱۰ عَيْنِ اسم المكان أو اسم التَّفضيل في العبارات ثُمَّ تَرْجُمُهُ: (۱ نمره)

- الف) في خوزستان تُوَجَدُ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ أَجْبَها جَدًّا.
ب) أَهْدَى أَبِي إِلَيَّ جُمْلَةً: «صَدَاقَةُ الْجَاهِلِ شَرٌّ مِنْ عَدَاوَةِ الْعَاقِلِ».

راهنمای تصحیح: الف) مَكْتَبَةٌ/ کتابخانه (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۸)

ب) شَرٌّ/ بدتر (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه‌های ۶ و ۷)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» و اسم مکان است. دقت کنید که «خوزستان» اسم مکان نیست، چراکه بر وزن‌های اسم مکان نیست.

ب) کلمه «شَرٌّ» در این عبارت به معنی «بدتر» است، در نتیجه اسم تفضیل به حساب می‌آید. خیلی دقت کنید که کلمه «أَهْدَى» در این عبارت به معنی «هدیه کرد» است، در نتیجه فعل است نه اسم تفضیل!

۱- کلمات «خَیْر» و «شَرٌّ» معانی مختلفی دارند. این دو کلمه اگر معنای «بهتر، بهترین/ بدتر، بدترین» داشته باشند اسم تفضیل هستند، در غیر این صورت اسم تفضیل نیستند.

مثال: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ. ← بدترین مردم کسی است که به امانت اعتقاد نداشته باشد.

اسم تفضیل ☒

• أُحِبُّ أَنْ أَقُومَ بِأَعْمَالِ الْخَيْرِ. ← دوست دارم که به کارهای خوب بپردازم. اسم تفضیل ☒

کلمات «الْخَيْرِ» و «الشَّرِّ» هیچ‌گاه اسم تفضیل نیستند، چون هر وقت ترجمه‌شان کنیم معنای تفضیلی نخواهند داشت.

مثال: الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ ← خوبی در آن چیزی است که اتفاق افتاد. اسم تفضیل ☒

۲- اسم مکان ← اسم‌هایی هستند که بر یک جا و مکان دلالت دارند و بر یکی از وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و یا «مَفْعَلَةٌ» به کار می‌روند.

مثال: مَلْعَبٌ: ورزشگاه مَطْعَمٌ: رستوران مَصْنَعٌ: کارخانه مَطْبَخٌ: آشپزخانه

مَتَجَرٌ: مغازه مَنَزَلٌ: خانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه مَكْتَبَةٌ: کتابخانه

• اسم‌هایی که معنای مکان دارند، اما بر وزن‌های اسم مکان نیستند را نباید به اشتباه اسم مکان در نظر بگیریم.

مثال: بَيْت (خانه)/ خَارِج (بیرون)/ فَوْق (بالا)/ تَحْتَ (زیر)/ شَارِع (خیابان)/ إِيْرَان/ آسیا و ... ← اسم مکان ☒

• اسم‌هایی که بر وزن اسم مکان هستند، به شرط آن اسم مکان محسوب می‌شوند که معنای مکان هم داشته باشند.

مثال: مَفْسَدَةٌ (مایه تباهی) ← اسم مکان ☒

مَعْرِفَةٌ (شناختن) ← اسم مکان ☒ (این که اصلاً وزن اسم مکان هم نداشت! «مَفْعَلَةٌ» اسم مکان نیست، اون «مَفْعَلَةٌ» بود. اشتباه نگیرینش!)

۱۱ عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ وَ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: (۵/۵ نمره)

﴿... يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ﴾ - عَلَيْنَا أَنْ لَا نَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يَعْرِضُ أَنْفُسَنَا لِلتَّهْمِ.

الف) اسم الفاعل:

ب) اسم المفعول:

راهنمای تصحیح « الف) مُخْرِجُ (صفحه ۲۲) (۵/۲۵) »

ب) مَوْضِعُ (صفحه ۲۱) (۵/۲۵) »

✓ پاسخ خیلی تشریحی الف) «مُخْرِجُ» دارای ساختار «مُد ... ـ ـ ـ است» است، در نتیجه اسم فاعل است.

ب) «مَوْضِعُ» بر وزن «مَفْعُول» است، در نتیجه اسم مفعول است.

۱۲ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ حَسَبَ قَوَاعِدٍ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ: (۷۵/۰ نمره)

الف) التَّاهِي / الْمُجَهَّز / الْمَعْرُوف

ب) الْفَتَّاحَة / الْكُفَّار / الطَّبَّاح

ج) الْعُدَاة / السَّائِل / الْعَالَم

راهنمای تصحیح: الف) الْمَعْرُوف (۷۵/۰) (صفحه ۲۲)

ب) الْكُفَّار (۷۵/۰) (صفحه ۲۴)

ج) الْعَالَم (۷۵/۰) (صفحه ۴۲)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) «التَّاهِي» و «الْمُجَهَّز» اسم فاعل هستند، ولی «الْمَعْرُوف» اسم مفعول است.

ب) «الْفَتَّاحَة» و «الطَّبَّاح» اسم مبالغة هستند، ولی «الْكُفَّار» اسم فاعل است، زیرا مفرد آن «الْكَافِر» بر وزن «فَاعِل» است.

ج) «الْعُدَاة» جمع مكسر «العادي» است، در نتیجه اسم فاعل است. «السَّائِل» نیز اسم فاعل است، ولی «العالم»: جهان اسم فاعل نیست، بنابراین متفاوت است.

ملاک تشخیص نوع اسم‌ها، وزن مفرد آن‌هاست، یعنی مثلاً اگر بخواهیم تشخیص دهیم که یک اسم جمع، اسم فاعل است یا نه باید ابتدا آن را مفرد کنیم.

مثال «طَلَّاب» ← اسم فاعل است، زیرا مفردش «طَالِب» بر وزن «فَاعِل» است.

درس Box

عَيْنِ الصَّحِيحِ: (۵/۰ نمره) ۱۳

الف) سَبْعُونَ نَاقِصٌ سَبْعَةٍ يُسَاوِي

(۱) ثَلَاثَةٌ وَ تِسْعِينَ (۲) ثَلَاثَةٌ وَ سِتِّينَ

ب) التَّرْجِمَةُ لـ«الْجُهَّال»:

(۱) افراد نادان (۲) افراد بسیار نادان

راهنمای تصحیح >> الف) گزینه «۲» (ثَلَاثَةٌ وَ سِتِّينَ) (۵/۰/۲۵)

ب) گزینه «۱» (افراد نادان) (۵/۰/۲۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) هفتاد منهای هفت مساوی است با (۱) نود و سه (۲) شصت و سه ☒

ب) «الْجُهَّال» بر وزن «فُعَال» است، در نتیجه اسم مبالغه نیست، بنابراین در ترجمه آن نیازی نیست از «بسیار» استفاده کنیم. این کلمه جمع مکسر «الْجَاهِل» و به معنی «افراد نادان» است.

۱۴

عین أداة الشرط و جواب الشرط في العبارة التالية. (۵/۵ نمره)

﴿مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

الف) أداة الشرط:

ب) جواب الشرط:

راهنمای تصحیح >> الف) مَنْ (۵/۲۵) (صفحة ۳۷)

ب) هُوَ حَسْبُهُ (۵/۲۵) (صفحة ۳۷)

۱۵ عَيْنِ الصَّحِيح (۰/۷۵ نمره)

- الف) إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ. □ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّة □ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّة
- ب) مَا قَدَّرَ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْبَحَارِ أَقَلَّ مِنَ الْمَلَائِكِ. □ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّة □ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّة
- ج) مَا تَزْرَعَنَّ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدَنَّ فِي الْآخِرَةِ. □ (۱) الْجُمْلَةُ شَرْطِيَّة □ (۲) الْجُمْلَةُ لَيْسَتْ شَرْطِيَّة

راهنمای تصحیح >> الف) گزینه «۱» (صفحه ۴۵)

ب) گزینه «۲» (صفحه ۴۳)

ج) گزینه «۱» (صفحه ۳۷)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ ترجمه گزینه‌ها:

- الف) هرگاه خشمگین شوی، سکوت کن. ← جمله شرطی است.
- ب) دانشمندان انواع موجودات زنده در دریاها را کمتر از میلیون‌ها برآورد نکردند. ← «ما» در این عبارت ادات شرط نیست، بلکه مای نافیة است و «ما قَدَّرَ» ماضی منفی است. ← جمله شرطی نیست.
- ج) هرچه در دنیا بکارید، در آخرت درو می‌کنید. ← جمله شرطی است.

۱۶ ترجم فعل الشرط: «مَنْ عَصَبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا، فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا.» (۲۵/۰ نمره)

راهنمای تصحیح «خشمگین شود (۲۵/۰) (صفحه ۲۷)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ فعل «عَصَبَ» فعل شرط است، در نتیجه باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود، بنابراین «خشمگین شود» صحیح است.

نهایی

الف عَيْنُ فِعْلِ الشَّرْطِ: (۲۵/۰) «إِنْ تُحَاوِلَ جَنَاحِيهِ لَا تَقْدِرُ.»

ب عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ: (۲۵/۰) «مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُهُ فِي الْآخِرَةِ.»

۱) هرچه در دنیا بکاری، در آخرت آن را درو می کنی.

۲) هرچیزی را در دنیا می کاری، در آخرت درو می کنی.

پاسخ:

الف تُحَاوِلُ (۲۵/۰)

ب) گزینه ۱ «۱» (۲۵/۰)

توضیح: «تَزْرَعُ» فعل شرط است، پس باید به شکل مضارع التزامی ترجمه شود. ← بکاری ☒ می کاری ☐ ☒

۱۷ عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (۱ نمره)

الف) الطَّائِرُ الطَّنَانُ أَصْغَرَ طَائِرٍ عَلَى الْأَرْضِ.

ب) عِنْدَمَا يَأْكُلُ التَّمْسَاحُ فَرِيَسَةً أَكْبَرَ مِنْ فَمِهِ، تُفَرِّزُ عَيْنُونَهُ سَائِلًا.

راهنمای تصحیح: الف) خبر - مضاف إليه (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۳۲)

ب) صفت - فاعل (۵/۰) (هر مورد ۲۵/۰) (صفحه ۴۲)

۱۸

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (۱ نمره)

(مَنْ - الْغَدَاةُ - الْعَشِيَّةُ - إِنَّ - الْمُرَاسِلُ - أَثْقَلَ)

(الف) لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

(ب) تُحَاوِلِي كَثِيرًا، تَصْلِي إِلَى أَهْدَافِكَ.

(ج) هُوَ الَّذِي يَتَكَلَّمُ مَعَ اللَّاعِبِينَ بَعْدَ الْمُسَابَقَاتِ.

(د) نِهَائَةُ النَّهَارِ وَبِدَائَةُ ظَلَامِ اللَّيْلِ.

راهنمای تصحیح >> الف) أَثْقَلَ (صفحه ۱۱)

ب) إِنَّ (صفحه ۳۶)

ج) الْمُرَاسِلُ (صفحه ۴۰)

د) الْعَشِيَّةُ (صفحه ۴۱)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) چیزی سنگین تر از اخلاق خوب در ترازوی اعمال نیست. ← أَثْقَلَ

ب) اگر بسیار تلاش کنی، به اهداف می رسی. ← إِنَّ

ج) خبرنگار کسی است که بعد از مسابقات با بازیکنان صحبت می کند. ← الْمُرَاسِلُ

د) شامگاه پایان روز و آغاز تاریکی شب است. ← الْعَشِيَّةُ

(کلمات «مَنْ: هرکس» و «الْغَدَاةُ: صبحگاه، آغاز روز» اضافی هستند.)

عَیِّنِ الصَّحِیحَ (۱ نمره)

۱۹

- الف) الَّذِي يَصْدُقُ فِي كَلَامِهِ أَكْثَرُ مِنَ الْآخَرِينَ: (۱) الصَّادِق (۲) الْمُصَدِّق (۳) الْأَصْدَق
- ب) الَّذِي يُرْسِلُ شَخْصًا لِمَكَانٍ: (۱) الْمُرْسِل (۲) الْمُرْسَل (۳) الْإِرْسَال
- ج) الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا: (۱) الْكَاذِب (۲) الْكَذَّاب (۳) الْكَذِب
- د) مَكَانٌ يَذْهَبُ النَّاسُ إِلَيْهِ لِاشْتِرَاءِ الطَّعَامِ: (۱) الْمَطْبَخ (۲) الْمَطْعَم (۳) الْمَطْبَعَة

راهنمای تصحیح « الف) «۳» یا الْأَصْدَق (۰/۲۵) (صفحه ۴)

ب) «۱» یا الْمُرْسِل (۰/۲۵) (صفحه ۲۲)

ج) «۲» یا الْكَذَّاب (۰/۲۵) (صفحه ۲۴)

د) «۲» یا الْمَطْعَم (۰/۲۵) (صفحه ۸)

- پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) کسی که در کلام خود، بیشتر از دیگران راست می گوید: (۱) راستگو/ (۲) باور کننده/ (۳) راستگوتر، راستگوترین ☒
- ب) کسی که فردی را به جایی می فرستد: (۱) فرستنده ☒/ (۲) فرستاده شده/ (۳) فرستادن
- ج) کسی که بسیار دروغ می گوید: (۱) دروغگو/ (۲) بسیار دروغگو ☒/ (۳) دروغ
- د) مکانی که مردم برای خریدن غذا به آن می روند: (۱) آشپزخانه/ (۲) رستوران ☒/ (۳) چاپخانه

۲۰. اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (۱ نمره)

الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِاللِّتِفَافِ حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا ثُمَّ تَخْتَنُقُهَا تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الَّتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ.

(الف) أَيْنَ تَنْمُو الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ؟

(ب) فِي أَيِّ مُحَافَظَةٍ إِيْرَانِ الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ مَوْجُودَةٌ؟

(ج) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِاللِّتِفَافِ فَوْقَ غُصْنِ شَجَرَةٍ. ☐ غلط ☐ صحيح

(د) تُوجَدُ كُلُّ أَنْوَاعِ الشَّجَرَةِ الْخَائِفَةِ فِي إِيْرَانِ. ☐ غلط ☐ صحيح

راهنمای تصحیح: الف) تنمو الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ. (۲۵٪)

(ب) فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ. (۲۵٪)

(ج) غلط (۲۵٪)

(د) غلط (۲۵٪)

پاسخ خلی تشریحی ✓ ترجمه متن:

«درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی از جنگل‌های استوایی رشد می‌کند. زندگی‌اش را با پیچیدن دور تنه یک درخت و شاخه‌هایش آغاز می‌کند، سپس به تدریج آن را خفه می‌کند. نوعی از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان قرار دارد، وجود دارد.»

(الف) درخت خفه‌کننده در کجا رشد می‌کند؟ «فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ: در برخی از جنگل‌های استوایی.»

(ب) در کدام استان ایران درخت خفه‌کننده وجود دارد؟ «فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ: در استان هرمزگان.»

(ج) درخت خفه‌کننده زندگی خود را با پیچیدن روی شاخه یک درخت آغاز می‌کند. ← غلط (با پیچیدن دور تنه یک درخت آغاز می‌کند نه شاخه یک درخت.)

(د) تمام انواع درخت خفه‌کننده در ایران وجود دارد. ← غلط (در متن ذکر شده که «يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ: یک نوع از آن در جزیره قشم وجود دارد» نه همه انواع آن.)

۲۱ أَجِبْ عَنْ هَذَيْنِ السُّؤَالَيْنِ: (۵/۰ نمره)

الف) لِمَ هَذِهِ الْمَلَابِيسُ غَالِيَّةٌ؟

□ (۱) لِأَنَّهَا بَعْدَ التَّخْفِيفِ. □ (۲) لِأَنَّ لَهَا نَوْعِيَّةً حَسَنَةً.

ب) هَلْ وَزْنُ جَمْعِ التَّكْسِيرِ لِاسْمِ الْمَكَانِ «أَفَاعِلُ»؟

راهنمای تصحیح >> الف) گزینه «۲» (۲۵/۰) (صفحه ۹)

ب) لا (۲۵/۰) (صفحه ۸)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ الف) چرا این لباس‌ها گران هستند؟ (۱) زیرا بعد از تخفیف است. (۲) زیرا جنس خوبی دارند. □

ب) آیا وزن جمع مکسر اسم مکان «أَفَاعِلُ» است؟ نه، «مَفَاعِلُ» صحیح است.

مثال = جمع مکسر «مَسْجِدُ» ← مَسَاجِدُ

- جمع مکسر «مَدْرَسَةُ» ← مَدَارِسُ